

## تحلیل رابطه بین فاصله از مرکز آموزشی تا محل مسکونی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان

علی اکبر قلی‌زاده

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

کمال لطفی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد گرایش شهری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

عوامل مختلفی در توانایی دانشجویان برای موفقیت در مرکز آموزشی بالاتر و تکمیل برنامه تحصیلی تأثیر می‌گذارند. پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی رابطه بین فاصله از مرکز آموزشی تا محل سکونت (مسکن) و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بپردازد. دانشجویانی که در محوطه مرکز آموزشی زندگی می‌کنند، حداقل در طی سال اول، نسبت به دانش‌آموخته‌هایی که در خارج از محوطه مرکز آموزشی زندگی می‌کنند، به احتمال زیاد برای رسیدن به درجه دلخواه خود زودتر دست پیدا می‌کنند. دانشجویانی که در نقاط دورتری ساکن هستند ممکن است مطالعات بیشتری در زمان و مکان خود داشته باشند و ممکن است فرصت‌های کمی برای ایجاد تعهد قوی نسبت به تحصیلات خود و دانشگاه داشته باشند. ممکن است فرض شود که دانشجویانی که دورتر از محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند ممکن است برای شرکت در کلاس‌ها و تکمیل وظایف درسی از کلاس مورد نیاز خود مشکل پیدا کنند. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی واقع در شهر همدان است. بدین منظور با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، ۲۰۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. در نهایت داده‌های به‌دست آمده با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. در آزمون اولیه این فرضیه، بررسی رابطه محوطه دانشگاه و میانگین نمره، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نتایج از این فرضیه پشتیبانی نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: فاصله، پیشرفت تحصیلی، محل سکونت، دانشجویان

## ۱. مقدمه

از آنجا که در جوامع کنونی کسب بسیاری از مشاغل به خصوص در سطوح بالا و موفقیت‌های اجتماعی منوط به طی کردن مدارج بالایی از تحصیلات است، همچنین از آنجا که کسب علم و دانش کودکان و نوجوانان و جوانان امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل خانواده و مسئولین است، باید توجه ویژه‌ای به این امر مهم شود. موفقیت تحصیلی دانشجویان یکی از متغیرهای اصلی آموزش و پرورش است و می‌توان از آن به عنوان شاخص عمده سنجش کیفیت آموزش و پرورش یاد کرد. معمولاً موفقیت تحصیلی بر اساس نتایج آزمون‌های نهایی و استاندارد سنجش می‌شود و نمراتی که دانشجویان در دوره‌های مختلف تحصیلی و در دروس مختلف کسب می‌کنند، نشانی از موفقیت تحصیلی آنان تلقی می‌کنند (عزیزی، ۱۳۸۲). وضعیت اقتصادی تعیین‌کننده محل سکونت است و اگر دانشجویان به دلیل فقر مالی نتوانند محل مناسبی داشته باشند، برای انجام تکالیف و مطالعه دروس با مشکل روبه‌رو خواهند شد. از طرف دیگر، محل سکونت تعیین‌کننده نوع دانشگاه است، وقتی محل سکونت در یک محل فقیر باشد چه از نظر آموزشی و چه از نظر معلوماتی با کمبود مواجه می‌شود و مستقیماً بر افت تحصیلی تأثیر می‌گذارد؛ همچنین، فرزندان چنین خانواده‌هایی امکان خرید و خواندن روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌های درسی را ندارند و تجارب آن‌ها محدود خواهد بود. فقر مالی سبب می‌شود که دانشجویان از غذای کافی و استراحت لازم محروم باشند یا برای جبران کمبود غذایی خانواده مدتی از ساعات روز را مشغول به کار باشد. از طرف دیگر سطح آرزوهای بچه‌های فقیر و کم‌درآمد با بچه‌های ثروتمند متفاوت است. در طبقات پایین دانشجویان شروع به تحصیلات ناشناخته می‌کنند و به امتحانات دشوار می‌اندیشند و با دروسی مواجه می‌شوند که به نظر مشکل است.

جمعیت افرادی که در محوطه دانشگاه به سر می‌برند، همچنان رو به افزایش است. بر اساس تحقیقی که انجام گرفته است، تنها ۲۵ درصد از دانشجویان دانشگاه‌ها در تمام وقت حضور دارند و در محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند. بر اساس این گزارش، سه چهارم از دانشجویان دانشگاه‌های کشور باید کار، خانواده، دانشگاه و رفت و آمد به کلاس‌ها را مدیریت کنند؛ تنها یک چهارم از دانشجویان در نهایت دانشگاه را تکمیل می‌کنند که از دانشجویان فقیر هستند و یا دانشجویانی که

برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود با موانع اضافی روبه‌رو هستند. بوزیک<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) این نتایج را در تحلیل عوامل مؤثر بر توانایی دانشجویان برای تکمیل برنامه‌های خود تأیید کرد. نتایجی که توضیح داده شد، نشان می‌دهد که یک تحصیل ممکن است احتمال کامل کردن مرتبه علمی را کاهش دهد. به طور کلی، موفقیت تحت تأثیر آنچه که الزامات و مطالبات ایرانی بر شانس او برای موفقیت یا شکست تحصیلی تأثیر می‌گذارند، قرار می‌گیرد. یک عامل دیگر که به طور خاص مورد توجه نیست، مربوط به جایی است که دانشجویان در آن زندگی می‌کنند و این فاصله چقدر است که دانش آموز باید آن را پوشش دهد تا در دانشگاه شرکت کند. اگر یک رابطه بین طول عمر دانش آموز و یا عملکرد تحصیلی او پیدا شود، مؤسسات می‌توانند مداخلات احتمالی یا فعالیت‌هایی را که به نیازهای این دانشجویان پیشرفت خدمت می‌کنند را بررسی کنند. هدف این مطالعه بررسی این موضوع است که آیا فاصله از محوطه دانشگاه نقشی در موفقیت دانشجویان ایفا می‌کند یا خیر.

## ۲. نقش اقتصاد در خانواده

مطالبی که در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد این است که اقتصاد چه نقشی در خانواده ایفا می‌کند؟ آیا تغییر روش اقتصادی در جامعه موجب تغییر طرز تشکیل خانواده است یا نه؟ و چه اندازه باید مسائل اقتصادی در تشکیل خانواده مورد توجه باشد. درباره سؤال اول باید گفت شکی نیست که مسئله اقتصاد یکی از ارکان اساسی در زندگی خانوادگی بشر است. اقتصاد در شئون علمی و اخلاقی، فرهنگی و تربیتی خانواده، خوشبختی و بدبختی، ترقی و انحطاط، پیروزی و شکست، عزت و ذلت و پیشرفت تحصیلی خانواده‌ها نقش بزرگی ایفا می‌کند.

### ۱-۲. مسکن و وضع اقتصادی خانواده

والدین با انتخاب محل زندگی خود محیط اجتماعی اطرافیان و ساخت خانواده خود را در تقسیم‌بندی کلی اجتماع مشخص می‌کند و بدین ترتیب می‌توانند اثرات مثبت یا منفی در رفتار کودکان به تناسب شرایط اجتماعی، فرهنگی و پیشرفت تحصیلی بگذارند.

مسکن کالایی ضروری و یکی از نیازهای اساسی بشر است و نبود آن حیات انسان را به مخاطره می‌اندازد. برای اغلب خانوارها مسکن مهم‌ترین کالای مصرفی است. به همین سبب، مسکن به

1. Bozic

عنوان سرپناه و محل سکونت، همانند خوراک و پوشاک، کالایی فاقد جانشین است و یکی از احتیاجات اساسی و اولیه انسان است. این کالا در تمام دوران حیات بشر - به‌ویژه در قرن اخیر که شهرنشینی با سرعت زیادی افزایش یافته است - از مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلف بوده و دولت‌ها تلاش کرده‌اند که با مدیریت و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری راه‌حلی برای پاسخ به مشکلات آن بیابند (ناجی میدانی و همکاران، ۱۳۸۹). مسکن، کالایی ناهمگن، بادوام، غیرمنقول، سرمایه‌ای و مصرفی است که سهم زیادی از بودجه خانوارها، هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص ملی را به خود اختصاص داده و نقش زیادی در اشتغال و ارزش افزوده کشورها دارد (لوریس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). مسکن به مثابه یک کالای اقتصادی، ویژگی‌هایی دارد که آن را از کالاهای دیگر متمایز و تحلیل عرضه و تقاضا و بازار آن را پیچیده می‌کند؛ بدون در نظر گرفتن آن‌ها نمی‌توان تصمیم درستی در رابطه با بخش مسکن اتخاذ کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسکن بادوام بودن آن است. کالاهای بادوام دارایی‌هایی هستند که در شرایط تورمی می‌توانند ارزش خود را حفظ کنند که مسکن از جمله آن‌ها است. در حقیقت مسکن به عنوان کالای بادوام، کالای سرمایه‌ای است که سرمایه‌گذاری در آن، بزرگ‌ترین بخش دارایی خانوار به شمار می‌رود و علاوه بر خانوار برای بنگاه‌های اقتصادی نیز جذابیت بالایی دارد. به‌ویژه در شرایط تورمی که اطمینان به بازده سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی دیگر پایین است، خرید و احداث مسکن، سرمایه‌گذاری امن و مطمئنی به حساب می‌آید که در بلندمدت پربازده‌تر از سایر اشکال سرمایه‌گذاری است؛ همچنین، عدم اطمینان به آینده و نبود سیستم تأمین اجتماعی، مسکن را به محل درآمد خانوار در دوران پیری و از کارافتادگی تبدیل می‌کند (ناجی میدانی و همکاران، ۱۳۸۹).

مسکن از عناصر مهم در برآوردن نیازهای زیستی، اقتصادی و اجتماعی هر خانوار محسوب می‌شود. رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها، مهاجرت از روستا به شهر، استهلاک ساختمان‌های قدیمی و تخریب آنان، کوچک شدن بعد خانوارها و مسائلی از این قبیل تأمین مسکن را به یکی از مشکلات بزرگ در بسیاری از شهرهای کشورهای جهان سوم تبدیل کرده است.

از طرف دیگر، با گسترش و تحولات عظیم در فن‌آوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، تغییر شرایط اجتماعی و نوع نگرش نسل‌های فعلی، مسکن بیش از پیش اهمیت یافته و نوع کارکرد آن

1. Laurice

نیز متحول شده است. به دلیل همین تحولات عمده و چند بعدی بودن مسکن، هر کدام از متقاضیان مسکن در انتخاب‌های خود به یک یا چند عنصر از مشخصات مسکن توجه می‌کنند. در حقیقت آنان در هزینه کردن برای مسکن، یک واحد مسکونی را به عناصر مختلفی تقسیم و رتبه‌بندی می‌کنند که چگونگی این رتبه‌بندی از عوامل مهم در عرضه واحدهای مسکونی است. بخش مسکن به عنوان یکی از بخش‌های عمده اقتصادی، رابطه تنگاتنگ و وسیعی با سایر بخش‌های اقتصادی هر کشور دارد و بر آن اثرگذار است. در بین تمامی بخش‌های اقتصادی و در تمام جوامع، اعم از توسعه‌یافته یا درحال توسعه، مسکن سهم بزرگی از سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده است. سرمایه‌گذاری در بخش مسکن معمولاً ۲ تا ۸ درصد از تولید ناخالص ملی و ۱۰ تا ۳۰ درصد از کل تشکیل سرمایه ثابت جهانی است (قادری و همکاران، ۱۳۹۰). طبق بررسی‌های صورت گرفته، بنابر دلایل خودکفا بودن بخش مسکن، دارا بودن خاصیت پیش‌رانگی، توان جذب نقدینگی بالا، توان بالای اشتغال‌زایی، سهم بالای مردان از اشتغال در این بخش، وجود تقاضای تضمین‌شده در بازار و فرصت‌های شغلی برای جوانان، این بخش به عنوان یک عامل محرک در چرخه اقتصادی کشور و تحقق اهداف اشتغال‌زایی ایفای نقش می‌کند (عباسی‌نژاد و یاری، ۱۳۸۸). بنابراین نوعی رابطه متقابل میان بخش مسکن و سایر بخش‌های اقتصادی وجود دارد.

### ۳. پیشینه پژوهش

سمیعی (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده بر روی موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران» که به صورت پیمایش بر روی ۱۵۷ نفر دختر و پسر در شش منطقه متفاوت شهر تهران و بر اساس موقعیت طبقاتی ساکنین انجام گرفت، دریافت میزان سرمایه اجتماعی در میان پاسخگویان نسبتاً پایین (۳۷/۴ درصد) و رابطه بین سرمایه اجتماعی و اقتصادی و موفقیت تحصیلی غیرمعنی دار و بسیار ضعیف ( $r=0/07$ ) بود.

هوانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در تحقیق خود در نروژ بر روی دوازده هزار دانش‌آموز دبیرستانی، تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی را بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها بررسی کرد. رابطه والدین و فرزندان، رضایت از مدرسه، وضعیت اقتصادی خانواده و نحوه انطباق دانش‌آموز با مدرسه از متغیرهای

1. Huang

مستقل و پیشرفت تحصیلی متغیر وابسته تحقیق بود. نتایج نشان داد سرمایه‌های انسانی و اقتصادی یازده درصد واریانس پیشرفت تحصیلی و سرمایه اجتماعی نوزده درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین می‌کردند.

#### ۴. مبانی نظری

##### ۴-۱. مهارت‌ها و کیفیت‌های مربوط به عملکرد مؤثر دانشجویان

این تحقیق مستلزم بررسی متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر موفقیت و پشت کار آکادمیک دانشجویان دارد. تحقیقات قابل توجهی بر روی عناصر مختلف تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی دانش‌جویان به منظور درک آنچه منجر به موفقیت دانشجویان می‌شود، انجام شده است. یکی از اندازه‌گیری‌های اصلی عملکرد دانشجویان، میانگین نمره دانشجویان (GPA) است. این معیار پیامد اولیه برای این مطالعه است. هدف ما ارزیابی تأثیر مثبت یا منفی متغیرهای مربوط به سن، جنسیت، یا وضعیت زندگی دانشجویانی است که در این معیار پیامد دارند. منظور از وضعیت زندگی، فاصله‌ای است که دانشجو باید طی کند تا به محوطه دانشگاه برسد.

مجموعه گسترده‌ای از متغیرها که می‌توانند بر موفقیت دانشجویان دانشگاه تأثیر بگذارند، شامل نگرش‌ها و تجربیات دانشجویان می‌شود. بن و برادلی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) به سطوح رضایت و عملکرد دانشجویان نگاه کردند و دریافتند که دانشجویانی که عملکرد خوبی در سطح بالاتری از رضایت داشته‌اند، نسبت به کسانی که در سطوح پایین‌تر بوده‌اند، عملکرد بهتری دارند. این یافته به‌ویژه برای دانشجویان دختر مورد توجه قرار گرفت. وقتی مهارت‌های یک دانشجو، تجربیات و غیره کمتر از حد معمول باشد، ممکن است او را قادر سازد که دانشجوی موفق‌تری باشد، در ضمن او را تشویق می‌کند به خاطر رضایت از این موفقیت، به یک دانشجوی موفق تبدیل شود. بازخورد مثبت ارائه‌شده توسط نمرات (به عنوان بخشی از بازخورد از سوی مربیان) ممکن است احساسات دانشجویان را در ارتباط مثبت با دانشگاه افزایش دهد و دانشجویان را تشویق کند تا در مطالعات خود پافشاری کنند تا دسترسی به این بازخورد مثبت را حفظ کنند.

1. Bean & Bradley

اولین سال‌های دانشگاه یک دوره گذرا در زندگی بزرگسالان جوان است و ترتیبات زندگی آن‌ها ممکن است بیش از نمرات آن‌ها تأثیر بگذارد. مهارت‌های زندگی روزانه، توانایی‌های مدیریت زمان و پاسخگویی فردی برای موفقیت دانشجویانی که در محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند، حیاتی است (بوزیک، ۲۰۰۸). زندگی در خارج از محوطه دانشگاه اجازه می‌دهد که زمان یک دانشجو به تعهدات دیگر معطوف شود که ممکن است مانع از فرصت دانشجو برای «حس توسعه» شود (اوتول و همکاران، ۱۹۹۹). این حس مکان ممکن است برای ایجاد حس خودکارآمدی به عنوان یک توسعه حس یک دانشجو، ضروری باشد. با این حال، متغیرهای دیگری نیز وجود دارند که آیا می‌توانند زمان یک دانشجو را از بین ببرند یا تکمیل کنند و ممکن است تأثیری بر موفقیت تحصیلی داشته باشند. اینکه آیا دانشجویان در حرفه دانشگاهی خود پیشرفت می‌کنند یا نه می‌تواند به تأثیراتی مانند زندگی اجتماعی، حمایت مالی و خانوادگی، تعهد دانشگاهی و اشتغال بستگی داشته باشند.

همچنین فرض شده است که وضعیت اشتغال تأثیری جدی بر تعامل دانشجویان دارد. هرچه زمان بیشتری صرف کار کردن دانشجویان می‌شود، زمان کمتری برای فعالیت‌های و تعهدات مربوط به آکادمیک برای او باقی می‌ماند (بوزیک، ۲۰۰۷). محدودیت‌های زمانی مانند پاره‌وقت، یا در برخی موارد مشاغل تمام‌وقت به دانشجویان نیاز دارند که در سبک زندگی دانشگاهی خود سرمایه‌گذاری کنند و سپس آن‌ها را وادار به تعیین اولویت‌های خود کنند. دانشجویانی که مجرد هستند، ممکن است تعهدات کمتری نسبت به زندگی خانگی داشته باشند که به همین دلیل است که مجرد بودن به جای اصطکاک به حفظ دانشجویان کمک می‌کند (اوتول و همکاران، ۱۹۹۹).

اینکه آیا دانشجویان دارای ثبات مالی هستند یا خیر، ممکن است تأثیری بر تداوم و در عوض، موفقیت در هر دانشگاه خاص داشته باشند. حمایت مالی و اجتماعی برای ترویج موفقیت یک دانشجوی دانشگاه مد نظر قرار گرفته است. برای اینکه یک دانشجو در دانشگاه اصرار داشته باشد، باید برای غلبه بر هرگونه موانع مالی که در طول راه با آن‌ها مواجه می‌شود، آماده باشد. حمایت

مالی، چه از درآمد خود، والدین و یا یک همسر، تأثیر گذار بر میزان مشارکت یک دانشجوی دانشگاه است (تینتو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

هر دو تعامل دانشجویان و تعامل با محیط دانشگاهی به عنوان عوامل مهم تأثیر گذار بر تداوم تحصیل دانشجویان در دانشگاه، شناسایی شده‌اند. دو نظریه پردازان کلیدی تینتو (۱۹۹۹) و آستین<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) هر دو رویکرد موفقیت دانشجویان را با تأکید بر میزان پایداری یک دانشجو در اختیار دارند. تینتو در چندین مطالعه نهادی به عنوان «بنیان گذار مدل یکپارچه‌سازی دانشجویان» شناسایی شده است و اثر او تأثیر منزل مسکونی دانشگاه و اقامت در منزل مسکونی دانشگاه را ارزیابی می‌کند. همان‌طور که در مدل یکپارچه‌سازی توضیح داده شده، سطح تعامل دانشجویان تأثیر می‌گذارد که چگونه دانشجویان قادر به تطبیق با افراد، فرآیندها و تدریس دانشگاه هستند و تعامل دانشجویان نیز بر موفقیت دانشجویان در دانشگاه آن‌ها تأثیر می‌گذارد (پاسکارالا، ترنزینی و ولف<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶). دانشجویانی که با هنجارهای دانشگاه خود سازگار شده‌اند ممکن است احساس کنند که در این دانشگاه بهتر هستند و در نتیجه بیشتر با دانشگاه خود درگیر هستند. این احساس «تناسب»، حسی که «من در جایی هستم که باید باشم»، ممکن است دانشجویان را تشویق کند تا اصرار داشته باشند و به همین دلیل مدرک خود را کسب کنند.

#### ۴-۲. تفاوت بین مهارت‌ها و ویژگی‌های دانشجویان مسکونی و حومه‌های از دانشگاه

لوتا<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) تعدادی از عوامل مرتبط با حفظ دانشجویان عصر سنتی در دانشگاه جنوبی ایالات متحده را ارزیابی کرد. او دریافت که دانشجویانی که به مشارکت خود در دانشگاه ادامه نمی‌دهند به احتمال کمتری در یک سازمان دانشگاهی مشارکت داشته‌اند (تنها سازمان‌های غیردانشگاهی در این دانشگاه به عنوان انجمن اتحادیه یونانی شناخته می‌شوند). لوتا (۲۰۰۸) دانشجویان غیربازگشتی نیز اندکی پایین‌تر از ورود به دانشگاه بودن؛ همچنین، دریافت که بیش از ۷۵ درصد از دانشجویانی که برای سال سوم به دانشگاه بازمی‌گردند، ترک تحصیل کردند؛ و آن‌ها جزء دانشجویان بودند که از محوطه دانشگاه دور بودند.

---

1. Tinto  
2. Astin  
3. Pascarella, Terenzini and Wolfe  
4. Lutta



نوبولد، مهتا و فوربس<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) رفت و آمد دانشجویان بومی و غیربومی را مورد بررسی قرار دادند که نشان می‌داد تفاوت‌های کلیدی متعددی بین این دو گروه وجود دارد. نتایج آن‌ها نشان داد که رفتن دانشجویان مسن‌تر و به احتمال زیاد از خانواده‌های دارای یقه آبی بیشتر است. فرض بر این است که این خانواده‌ها کمتر با سیستم آموزش عالی آشنا هستند. بسیاری از این دانشجویان به احتمال زیاد دانشجویان دانشگاه هستند که ممکن است تحصیلات آکادمیک کمتری نسبت به همسالان خود داشته باشند. نوبولد و همکاران (۲۰۱۱) همچنین نشان دادند که دانشجویان که رفت و آمد آن‌ها بیشتر از زندگی خود در محیط خارج از دانشگاه باشد این احتمال وجود دارد که منابع حمایتی و پشتیبانی آن‌ها خارج از محوطه دانشگاه نیز باشد. همچنین دانشجویانی که در محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند، در زمان مواجهه با یک مشکل تحصیلی، دسترسی بیشتری به مشاوران و دانشجویان دارند. زمانی که نوبولد و همکاران (۲۰۱۱) در یک پژوهش دیگر دریافتند که دانشجویانی که در دانشگاه جنوب غربی کار می‌کردند، به طور متوسط بیشتر از دانشجویان مسکونی که ساعات بیشتری کار می‌کردند، درآمد شخصی بالاتری داشتند و نسبت به دانشگاهی که در آن شرکت داشتند و احساس قربت کمتری با دانشگاه احساس می‌شد. نوبولد و همکاران (۲۰۱۱) همچنین به منظور توانمندسازی دانشگاه‌ها برای توسعه برنامه‌هایی که به طور مؤثر نیازهای هر گروه را برآورده می‌کنند، تحقیقات بیشتری را به تفاوت‌های بین مسافران و دانشجویان مسکونی تشویق کرد.

مطالعه دیگری در تحقیق کا، گانیا و پالمر<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) نشان داد که دانشجویان ساکن نسبت به دانشجویانی که رفت و آمد مزایای بیشتری داشتند. نتایج آن‌ها نشان داد که زندگی در محوطه دانشگاه به دستاوردهای اجتماعی و شخصی مربوط می‌شود. این سطح ارتقا یافته ممکن است به دانشجویانی که در محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند، کمک کند تا در دوره‌های خود موفق‌تر عمل کنند. برعکس دانشجویانی که در حال رفت و آمد هستند، سطح پایینی از تعامل با اعضای هیئت علمی دارند و احتمال دارد که کمتر در فعالیت‌های فوق برنامه مانند باشگاه‌ها، کارآموزی و تحصیل در خارج از کشور دخالت کنند. کا، گانیا و پالمر (۲۰۰۱). هنگامی که دانشجویان خارج از

1. Newbold, Mehta and Forbus  
2. Kuh, Gonyea, and Palmer

محوطه دانشگاه خود را با همتایان خود در محوطه دانشگاه مقایسه می‌کنند، ممکن است احساس کنند که در شرایط رشد مهارت، نقطه ضعف و شرایط نامساعدی دارند. آن‌ها همچنین ممکن است احساس کنند که در «زندگی» یا فعالیت‌های اساسی این دانشگاه دخیل نیستند. این امر ممکن است باعث دلسردی این دانشجویان شود و بر تعهدات آن‌ها به ادامه تحصیل تأثیر بگذارد.

گویررو<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در تحلیلی از عواملی که بر حفظ دانشجویان در یک دانشگاه جنوب غربی تأثیر گذاشته چندین عامل را شناسایی کرد که بر تعهد مستمر دانشجویان برای باقی ماندن در دانشگاه تأثیر می‌گذارد. در میان عواملی که شناسایی شدند، وضعیت نیمه وقت دانشجویان رابطه معنی داری با احتمال ترک تحصیل از دانشگاه پیدا کرد. گویررو گزارش داد که دانشجویانی که به طور نیمه وقت در این دوره شرکت کرده‌اند نزدیک به ۲۳۰ درصد از دانشجویان تمام وقت احتمال بیشتری داشتند. دانشجویانی که به طور غیابی شرکت می‌کنند ممکن است این کار را انجام دهند چون آن‌ها نمی‌توانند به طور تمام وقت شرکت کنند؛ زیرا اغلب دانشگاه‌ها به دانشجویان تمام وقت اجازه می‌دهند که در محوطه دانشگاه زندگی کنند.

در یک مثال دیگر از اینکه چگونه وضعیت دانشجویان ممکن است بر مهارت‌های دانشجویان تأثیر بگذارد، نونیس، فیلهورس و هادسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) پژوهش مربوط به تحلیل عادت مطالعه دانشجویان کسب و کار را انجام دادند. آن‌ها موضوعات تحقیقاتی را به دو گروه تقسیم کردند: دانشجویان دانشگاه محور (CCS) و دانشجویان زندگی محور (LCS). در حالی که هیچ اشاره‌ای به جایی که هر گروه از دانشجویان در آن زندگی می‌کردند وجود نداشت، منطقی است که فرض کنیم که دانشجویان زندگی محور در محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند در حالی که دانشجویان در مرکز احتمال بیشتری دارند که در محوطه دانشگاه زندگی کنند. نتایج تجزیه و تحلیل نونیس و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که دانشجویان دانشگاه محور دارای معیارهای GPA بالاتری بودند و سطح بالاتری از عملکرد تحصیلی خود را گزارش کردند.

تحقیقات بعدی که نونیس و هادسون (۲۰۱۰) انجام دادند، نشان داد که با افزایش زمان در محل کار دانشجویان، سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان کاهش می‌یابد. آن‌ها دریافتند که GPA

1. Guerrero

2. Nonis, Philhours and Hudson

دانشجویان به طور مستقیم به میزان زمانی که یک دانشجو قادر به انجام آن بود، ارتباط نداشت. برای توضیح این موضوع نویس و هادسون فرض کردند که زمان مطالعه ممکن است متغیر کلیدی نباشد، اما به جای آن توانایی تمرکز می تواند بهترین پیش بینی کننده عملکرد تحصیلی باشد. تا حدی که دانشجویان رفت و آمد غیردولتی، تعهدات و فعالیت خانوادگی بیشتری داشته باشند، عملکرد آنها می تواند با محدودیت های بر روی توانایی آنها در تمرکز بر روی وظایف تحصیلی آنها تأثیر بگذارد؛ بنابراین تعامل دانشجویی نتیجه مثبتی است که تعهد دانشجو را به روند آموزشی افزایش می دهد. همچنین ممکن است موانعی وجود داشته باشند که احتمال تکمیل شدن وظایف دانشجویان را کاهش دهند. برای مثال، جایی که دانشجویان در آن زندگی می کنند: هر دو پژوهشگر بوزیک (۲۰۰۸) و گها و لونارد<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) دریافتند که دانشجویانی که با والدین خود در سال اول تحصیلی در مقطع کارشناسی زندگی می کنند، به احتمال زیاد در مقایسه با دانشجویان محوطه دانشگاهی، کمتر زنده ماندند. دانشجویانی که با والدینشان زندگی می کنند، نمی توانند از هر چیزی که ممکن است از زندگی در محوطه دانشگاه به عنوان یک دانشجوی سال اول مشتق شود، استفاده کنند (لوتا، ۲۰۰۸).

مشکل دیگری که در ادبیات به آن اشاره شد این است که رفت و آمد دانشجویان دارای کمترین هزینه اقتصادی است. بوزیک (۲۰۰۸) همچنین نشان داد که دانشجویانی که ۲۰ ساعت در هفته کار می کنند و یا بیشتر در خانه زندگی می کنند، احتمال بیشتری دارد که در طول سال اول دانشگاه، دانشگاه را ترک کنند. بوزیک (۲۰۰۸) دریافت که دانشجویان از خانواده های کم درآمد به احتمال زیاد برای هزینه های مربوط به دانشگاه کار می کنند و در سال اول دانشگاه در خانه زندگی می کنند. همان طور که او گفت، این ها عبارتند از «استراتژی های صرفه جویی در هزینه» که در برخی موارد مانع از ادامه تحصیل دانشجویان برای پیشرفت تحصیل در سال دوم می شوند، دانشجویان سعی می کنند هزینه های خود را با ماندن در خانه محدود می کنند اما زندگی در خانه باعث می شود که ارتباط آنها با دانشگاه و روند آموزشی کمتر شود.

بنابراین، ما می دانیم که کار کردن از محوطه دانشگاه، سفر به محوطه دانشکده برای دانشگاه، منابع مالی (فقدان آن) و ثبت نام پاره وقت برای دوره های دانشگاه همگی نشان داده شده اند تا تأثیر

منفی بر موفقیت مستمر دانشجویان داشته باشند؛ دانشجویانی که در خارج از محوطه دانشگاه زندگی می‌کنند فرصت‌های کمتری برای مشارکت و ادغام در زندگی دانشگاهی دارند. اگرچه دلیل‌های بسیاری ممکن است برای این موضوع وجود داشته باشد که چرا مسافران به عنوان دانشجویان کمتر موفق باشند، تحقیقات گذشته انجام نشده است که آیا مسافت‌های که دانشجویان باید سفر کنند، بر موفقیت آن‌ها در محیط پس از ثانویه تأثیرگذار خواهد بود. اگر ارتباطات بین فاصله تا محوطه دانشگاه وجود داشته باشد که یک دانشجو باید سفر کند و آن موفقیت دانشگاهی را تکمیل کند، سپس گزینه‌هایی را باید شناسایی کرد که می‌تواند یادگیری دانشجویان را افزایش دهد. این بررسی ادبیات تعدادی از عوامل را شناسایی کرده است که می‌تواند بر احتمال یک دانشجوی مسافرتی با تکمیل مدرک کارشناسی تأثیر بگذارد. در حالی که عواملی مانند زمان نیمه وقت در مقابل ثبت نام کامل در دانشگاه، خودکفایی اقتصادی و تعامل با دانشگاه همگی به عنوان شرایطی شناسایی شده‌اند که می‌تواند مانع پیشرفت دانشجو به سوی یک درجه شود، هیچ تحقیقی برای ارزیابی اینکه آیا فاصله یک دانشجو برای رسیدن به درجه تحصیلی خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا نه، انجام نشده است و این مطالعه اولین قدم در پاسخ به این پرسش است. ما به فاصله ای نگاه خواهیم کرد که یک دانشجو باید به محوطه دانشگاه برود و رابطه بین فاصله را ارزیابی کند که یک دانشجو باید رفت و آمد کند OGPA دانشجو (درجه کلی نمره متوسط). به‌ویژه در محیط‌هایی که در آن سفر زمستانی می‌تواند خطرناک باشد، دانشجویانی که مجبور به رفت و برگشت فواصل طولانی‌تر هستند، موانع قابل توجهی در حفظ حضور خوب در کلاس خود متحمل می‌شوند. ما فرض می‌کنیم که GPA دانشجو یک شاخص جزئی از تعامل او با محیط دانشگاهی و یک شاخص جزئی از احتمال موفقیت تحصیلی بلندمدت دانشجو است؛ هرچه زمان بیشتری صرف رفت و آمد شود، زمان کمتری برای مطالعه یا کار با گروه‌های همتای وجود دارد؛ بنابراین ما با خیال راحت فرض می‌کنیم که هر چه رفت و آمد بیشتر باشد، GPA کمتر خواهد بود.

## ۵. روش تحقیق

این مطالعه در دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی انجام گرفت که یک دانشگاه کوچک و متوسط در همدان است و سالانه ۶۰۰-۷۰۰ دانشجو ثبت نام می‌کند. در این پژوهش با مراجعه به دانشگاه، نمونه‌های مورد نیاز به روش نمونه‌گیری در دسترس جمع‌آوری شد. معیارهای مورد مطالعه،

دانشجویانی که در محدود دانشگاه سکونت دارند و گروه دیگر دانشجویانی که در خارج از محدود دانشگاه سکونت دارند، هستند. درصد قابل توجهی از دانشجویانی که در این دانشگاه ثبت نام کرده اند، مسافر هستند و دانشجویان سطح بالایی که ممکن است در برنامه های حرفه ای یا برنامه های فارغ التحصیلی ثبت نام می کنند، شرکت کنند. پس از کسب اجازه از مسئولین و ارجاع به بایگانی و آموزش دانشگاه، متغیرهای مورد نظر بررسی شدند. تجزیه و تحلیل فرضیه با استفاده از داده های مقطعی برای ۲۰۵ دانشجو (دانشجویان دانشگاهی که در دوره های روزانه و شبانه به ثبت رسیده بودند) انجام شد. این نمونه سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ ادعا شده که نماینده دانشجویان دانشگاه باشد؛ به راحتی به عنوان یک منبع داده ارزان و قابل دسترس است. داده های مورد نیاز برای این مطالعه شامل ویژگی های فردی، دانشگاهی و اجتماعی-اقتصادی بودند. اطلاعات شناسایی شخصی دانشجویان از مجموعه داده برداشته شد تا از ناشناس بودن دانشجویان اطمینان حاصل شود. در این پژوهش میانگین نمره کل نمرات (OGPA) به عنوان یک متغیر وابسته در این پژوهش استفاده شد. ما از متغیرهای مستقل OGPA به عنوان معیار اولیه عملکرد دانش آموز استفاده می کنیم. بدیهی است که این متغیر برای یک دانشجو کامل نیست؛ اما این تنها ابزار ارزیابی موجود در ما است که در دسترس دانشجویان قرار می گیرد. مجموعه داده های میانگین OGPA برابر با ۲.۶۵ با انحراف معیار ۰.۴۳ است.

مجموعه متغیرهای کنترل در این تحقیق به شرح زیر هستند:

تعداد ساعات اعتباری تجمعی: مجموع اعتبارات به دست آمده برای تعیین طبقه بندی ترم دانشجویان مورد استفاده قرار گرفت. این متغیر برای اندازه گیری علاقه مستمر دانشجویان به دانشگاه و پیشرفت به سمت یک درجه پیشرفت استفاده می شود به طور متوسط دانشجویان حدود ۵۶.۹۱ ساعت اعتبار را با مقادیر مختلف از ۳ ساعت اعتبار تجمعی تا ۲۱۶ سالگی تکمیل کرده بودند.

ساعات اعتباری تجمعی: توزیع این متغیر نشان می دهد که این مجموعه داده ها شامل دانشجویان سال اول هستند به سطوح ارشد.

وضعیت تأهل: این یک متغیر است که نشان می دهد. آیا دانش آموز متأهل نیست (۰)، یا متأهل است (۱). تنها ۵ درصد از دانشجویانی که داده های آن تحلیل شدند ازدواج کردند.

سن: این متغیر سن دانشجویانی را نشان می‌دهد که اطلاعات آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. میانگین سنی دانشجویان ۲۳ سال است. انحراف استاندارد ۵.۰۴ سال است. قدمت آن از ۱۸ سال تا ۶۳ سال متغیر بود.

جنسیت: متغیر طبقه‌بندی شده برای توضیح تفاوت‌ها در میزان موفقیت تحصیلی بین زن و مرد استفاده می‌شود. توسط مردان (۰) و زنان (۱) نمایش داده می‌شود. پنجاه درصد از دانشجویان این نمونه زن هستند.

(HSGPA): (برای سنجش و اندازه‌گیری توانایی‌های ادراکی دانشجویان از دبیرستان و دانشگاه) که بیانگر اینکه آیا موفقیت تحصیلی در دانشگاه را می‌توان با موفقیت تحصیلی سطح دبیرستان دانش‌آموز پیش‌بینی کرد. میانگین ۳.۰۱ HSGPA با انحراف استاندارد ۰.۳۹ برابر است.

فاصله: فرضیه متغیر وابسته در این مطالعه از فاصله دور رفت و آمد است که ما از آن استفاده کردیم. این متغیر کوتاه‌ترین مسیر از اقامت دانشجویی به منزل مسکونی دانشگاه را نشان می‌دهد. این متغیر کیلومترها محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود. دو گروه از دانشجویان برای این مطالعه اهمیت دارند: رفت و آمد دانشجویان و دانشجویان مسکونی (دانشجویان زمانی که در خوابگاه یا دیگر خانه‌های محوطه دانشگاه زندگی می‌کردند، مسکونی محسوب می‌شدند) و این یک متغیر کلیدی است. علاقه به این مطالعه از آن رو است که نشان می‌دهد چگونه مسافت و فاصله رفت و آمد از محدوده دانشگاه ممکن است به OGPA مربوط باشد. به طور متوسط دانشجویان معمولی در حدود ۲۲.۱۰ کیلومتر از محل اقامت خود به محوطه دانشگاه با انحراف استاندارد ۲۶.۵۵ کیلومتر را سفر می‌کنند. جای تعجب نیست که این متغیر از ۰ کیلومتر تا ۱۲۰ کیلومتر متغیر است که به این معنی است که تعدادی دانشجو وجود دارند که در منزل مسکونی و از سوی دیگر دانشجویانی که در حال سفر با فاصله قابل توجهی برای شرکت در این دانشگاه هستند، وجود دارند.

در نهایت داده‌های به‌دست آمده در نرم‌افزار آماری stta نسخه ۱۵ و با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج مدل رگرسیون خطی چندگانه در تحلیل عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیل دانشگاه اسدآبادی در جدول (۱) آمده است. بر اساس این مدل، عواملی چون سن، جنس، وضعیت تأهل، فاصله و ... از عوامل اصلی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی بودند.

فرض کنید متغیرهای مستقل ثابت بوده و  $y_1, y_2, \dots, y_p$  متغیر وابسته باشند؛ که می‌توان آن را با مدل‌های رگرسیونی زیر نمایش داد:

$$Y_1 = B_{01} + B_{11}X_1 + \dots + B_{q1}x_q + u_1$$

$$Y_2 = B_{02} + B_{12}X_1 + \dots + B_{q2}x_q + u_2$$

$$Y_p = B_{0p} + B_{1p}X_1 + \dots + B_{qp}x_p + u_p$$

پس در این حالت مدل به صورت  $Y = X\beta + \Xi$  در می‌آید.

فرض‌های زیر در رگرسیون چندگانه چندمتغیره وجود دارد:

۱. جمله خطای  $\Xi = [\varepsilon_1, \varepsilon_2, \dots, \varepsilon_p]'$  دارای توزیع نرمال  $P$  متغیره  $N_P(0, \Sigma)$  است.

۲. بنابراین جمله خطای  $\Xi = [\varepsilon_1, \varepsilon_2, \dots, \varepsilon_p]'$

دارای  $E(\varepsilon_i) = 0$  و  $\text{var}(\Xi) = \Sigma$ ، از این رو جملات خطاهای مرتبط با پاسخ‌های مختلف، ممکن است همبسته باشند.

۳. همچنین در این مدل نیز داریم  $\text{cov}(y_i, y_j) = 0, i \neq j$

جدول ۱. نتایج مدل رگرسیون

متغیرها	میانگین‌ها	انحراف از معیار
میانگین نمره (امتیاز کلی - پیشرفت)	۲/۶۵	۰/۴۳
فاصله	۲۲/۱۰	۲۶/۵۵
تعداد ساعات اعتباری تجمعی	۵۶/۹۱	۲۹/۲۸
ازدواج	۰/۰۴	۰/۱۸
سن	۲۲/۱۸	۵/۰۴
جنس	۰/۵۰	۰/۴۷
معدل تحصیلی و پیشرفت درسی	۳/۰۱	۰/۳۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

(N=205)

## ۶. نتایج و بحث

جدول (۲) نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مقطعی را نشان می‌دهد. به طور کلی چهار متغیر کنترل وجود دارد که قابل توجه به نظر می‌رسد و شامل ساعت اعتباری تجمعی، وضعیت تأهل، سن و HSGPA است. این متغیر (ساعت اعتباری تجمعی) به نظر می‌رسد در سطح ۱ درصد معنی‌دار بوده

و مثبت است که نشان می‌دهد تمام متغیرهای دیگر را در یک متغیر نگه می‌دارد. دانشجویان با سطح بالاتر از اعتبار تجمعی، بهتر از دانشجویانی که کمتر هستند، عمل می‌کنند.

بنابراین، ممکن است استنباط کنیم که یک دانشجو ارشد (ساعات اعتبار تجمعی بالاتر)، تمرکز بیشتر و جدی‌تری در مورد عملکرد تحصیلی نسبت به دانشجوی سال اول (ساعات اعتبار تجمعی پایین‌تر) داشته باشد. البته کار تکمیل شده برای انجام مأموریت اصلی دانشجویان نشان‌دهنده تعهد بالاتر نسبت به روند آموزشی است که به نوبه خود، به موفقیت تحصیلی مرتبط است. این یافته با یافته‌های از سوویر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) و گایسر و سنتلیسیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) و اوتول و همکاران (۱۹۹۹) مطابقت دارد.

متغیر بعدی وضعیت تأهل دانشجویان است که مشابه پژوهش لی - چن و رابرت<sup>۳</sup> (۱۹۷۹) بود که مطالعه ما نیز نشان می‌دهد که دانشجویان متأهل بهتر از دانشجویان مجرد در دانشگاه هستند. این متغیر در سطح ۱۰ درصد قابل توجه است. سن همچنین یک رابطه مثبت و معنی‌دار (در سطح ۱ درصد) با معدل تحصیلی دانشجویان نشان داد. این مطالعه نشان می‌دهد که دانشجویان مسن‌تر به احتمال بیشتری نسبت به دانشجویان جوان‌تر هستند. تعدادی از دلایل اینکه دانشجویان مسن‌تر بهتر از دانشجویان جوان‌تر عمل می‌کنند، وجود دارد.

به عنوان مثال، افزایش ادراک خودکارآمدی در یافته‌های چمرس، هو و گارسیا<sup>۴</sup> (۲۰۰۱)، توانایی‌های ادراکی بیشتر تمرکز یافته در پژوهش (هیوز و اسمیت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰) و افزایش خودرشته‌ای در پژوهش (دیک و ورث و سلیگمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵) مشاهده شده است؛ بنابراین، نتایج این نمونه نشان می‌دهد عملکرد دانشجویان دانشگاهی با گذشت زمان (سن) افزایش می‌یابد. با این حال، مجموعه دیگری از محققان نتایج متضادی را نشان دادند که بیان کرد دانشجویان مسن‌تر به دلیل عواملی مانند مدیریت زمان (مکن، شاهانی، دیپ بوی و فیلیپس<sup>۷</sup>، ۱۹۹۰)، کسری در مهارت‌های مطالعه

- 
1. Sawyer
  2. Geiser and Santelices
  3. Li-Chen and Robert
  4. Chemers, Hu and Garcia
  5. Hughes and Smith
  6. Duckworth and Seligman
  7. Macan, Shahani, Dipboye and Phillips



(ریچاردسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵) و مسئولیت بیشتر (بریچ و میلر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) در کلاس عملکرد خوبی نداشته باشند. با این حال ما نمی‌توانیم از این نتیجه در این مطالعه حمایت کنیم.

به نظر می‌رسد که استعداد شناختی دانش‌آموزان یا GPA دبیرستان تأثیر مثبت و قابل توجهی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دارد. این نتیجه باعث می‌شود که ما باور کنیم که یک دانشجو با تحصیلات دبیرستانی بیشتر محتمل است در دوره‌های دانشگاهی و دانشگاهی موفق‌تر عمل کند. دانش‌آموزانی که در دبیرستان بیشتر حضور دارند، به احتمال زیاد تجربیات بیشتری دارند که به این تعهد در سال‌های اول دانشگاه ادامه می‌دهند که با یافته‌های والتر<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) و دبرارد و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) مطابقت دارد.

آخرین متغیرهای مهم، فاصله و مجذور فاصله هستند. این دو متغیر نسبت به OGPA متفاوت هستند. اولی به طور منفی و دومی به طور مثبت به هم مرتبط بود. رابطه منفی بین فاصله و OGPA در این مدل توضیح می‌دهد که با افزایش فاصله رفت و آمد، OGPA دانشجو احتمالاً کاهش می‌یابد. عوامل دیگری که در مدل وجود دارد، ثابت باقی می‌ماند. با این حال، متغیر مربع مسافت در حدود ۱ درصد قابل توجه است و به طور مثبت وارد معادله می‌شود. این به این معنی است که OGPA برای دانشجویان رفت و آمد که بیشترین تعداد را دارند، افزایش می‌یابد.

باید هرروز برای شرکت در کلاس‌ها مسافت زیادی را طی کنند. ما کشف کردیم که افزایش مسافت به OGPA دانشجو مربوط است. شاید دانشجویان که باید فاصله قابل توجهی برای کلاس‌ها داشته باشند، می‌خواهند آن فداکاری را با انجام تحصیل خوب انجام دهند. همچنین ممکن است که دانشجویانی که دور از دانشگاه زندگی می‌کنند، دوره‌های آنلاین را بگذرانند. تحقیقات بیشتری برای بررسی عوامل مؤثر نیاز است.

دانشجویانی که تنها در یک فاصله متعادل از دانشگاه زندگی می‌کنند، GPA پایین را نشان می‌دهند. این GPA پایین‌تر ممکن است نشان‌دهنده تعهد کمتری نسبت به دخالت در زندگی تحصیلی باشند.

- 
1. Richardson
  2. Birch and Miller
  3. Walter
  4. DeBerard et al

متأسفانه ما اطلاعاتی در مورد تعهدات کار دانشجویان نداریم، بنابراین نمی‌دانیم چه موانعی می‌تواند بر عملکرد تحصیلی تأثیر گذار باشد.

## ۷. محدودیت‌ها و پژوهش‌ها در آینده

محدودیت این مطالعه مجموعه داده‌ها است. از آنجا که داده‌های تجزیه و تحلیل شده مربوط به یک دانشگاه است، نتایج برای تعمیم دانشجویان به عنوان یک جمعیت کامل نمی‌تواند استفاده شود. به عنوان مثال، دانشکده‌های اجتماعی مطمئناً دانشجویانی که رفت و آمد می‌کنند درصد بالاتری خواهند داشت و نتایج این دانشگاه ممکن است روند متفاوتی را نشان دهند. از آن به بعد دانشجویانی که در دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی مورد بررسی قرار می‌گیرند، به تحقیقات بیشتری از لحاظ فاصله رفت و آمد دور و عملکرد تحصیلی آن‌ها در محدوده وسیع جغرافیایی نیاز است تا بتوان آن را پیدا کرد. همچنین دانشجویانی که در هوای سردتر زندگی می‌کنند، موانع مربوط به آب و هوا را در خود احساس نمی‌کنند؛ بنابراین به عنوان یک متغیر رابطه‌ای بین فاصله رفت و آمد و GPA نشان نمی‌دهد.

جدول ۲. نتایج: میانگین نمره کل دانشجویان رفت و آمد

متغیر	ضریب	انحراف معیار
با ثبات	۱/۸۹	۰/۳۳
مسافت	-۰/۰۱	۰/۰۰
مجذور مسافت	۰/۰۰	۰/۰۰
ساعت اعتباری تجمعی	۰/۰۲	۰/۰۰
ازدواج	۰/۲۰	۰/۱۰
سن	-۰/۰۳	۰/۰۱
جنس	۰/۰۵	۰/۰۲
پیشرفت تحصیلی	۰/۴۸	۰/۰۳۵
مجذور مربع	۰/۰۲	-
تعدیل شده مجذور مربع	۰/۲۷	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نکته قابل توجه: در سطح ۱ درصد، در سطح ۵ درصد و در سطح ۱۰ درصد قابل قبول است.

## ۸. نتیجه گیری

این مطالعه تلاش برای شروع تحقیقاتی است که علل شکاف در خصوص عملکرد علمی مسافران را توضیح می‌دهد؛ که فاصله بین رفت و آمد به دانشگاه، چقدر در کلاس یک دانشجو تأثیر می‌گذارد. پس از پی بردن به رابطه منفی بین فاصله دانشگاه و GPA، سؤالات بعدی می‌تواند این باشد که آیا عملکرد تحصیلی پایین به دلیل فاصله است؟ اگر چنین است، پس فرصت‌های دوره‌ای به صورت آنلاین می‌تواند به دانشجویان کمک کند. اگر دلیل این است که فاصله بیشتر بر مهارت‌های دانشجویان ارتباط دارد، دانشجویان رفت و آمد ممکن است نیاز به پشتیبانی اضافی دانشگاهی داشته باشند. هر دو (مدرس و دانشجو) باید در نظر بگیرند که فن آوری و تلاش برای از بین بردن هرگونه موانع برای پیشرفت در حال انجام است. اگر مدرس‌ها و دانشجویان فن آوری را به طور کارآمد در کلاس درس خود ادغام کنند، آموزش از راه دور می‌تواند به عنوان یک راه حل برای دانشجویان رفت و آمد برای پیشرفت تحصیلی آن‌ها تأثیر بگذارد.

هدف اصلی این تحقیق در این زمینه شناسایی موانع موفقیت دانشجویان است. اقداماتی که به بیشتر دانشجویان کمک می‌کند تا مدارک تحصیلی خود را به اتمام برسانند. تحقیقات آینده ممکن است شامل دسترسی آنلاین به صورت رایگان (به جای فقط حضور در دانشگاه) به عنوان یک فرصت اولیه برای دانشجویان در حال رفت و آمد در زمینه پیشرفت تحصیلی دانشجویان باشد.

نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که دانشجویان ترم بالاتر از دانشجویان ترم پایین تر GPAs بالاتری داشتند. فرض بر این است که به دلیل افزایش تعهد دانشجویان نسبت به تحصیلات آن‌ها باشد. شاید به جای اینکه به دانشجویان سال اول اجازه داده شود که بمانند، به عنوان یک عامل مهم آن‌ها را تشویق می‌کند که به طور کامل با آن‌ها درگیر شوند. این نهاد به صورت موفقیت بلندمدت دست‌یافته تر می‌شود.

منابع:

- سمیعی، زهرا (۱۳۷۹). «تأثیر سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده بر روی موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه الزهرا تهران.
- عباسی‌نژاد، حسین و حمید یاری (۱۳۸۸). «تأثیر شوک‌های نفتی بر قیمت مسکن در ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. دوره ۹. شماره ۱. صص ۷۷-۵۹.
- عزیزی، محمدمهدی (۱۳۸۲). «جایگاه شاخص‌های مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی مسکن». هنرهای زیبا. دوره ۱۷. شماره ۱۷. صص ۴۲-۳۱.
- قادری، جعفر؛ اسلاملوئیان، کریم و سکینه اوجی‌مهر (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مسکن در ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. دوره ۱۱. شماره ۳. صص ۷۰-۴۷.
- ناجی‌میدانی، علی‌اکبر؛ فالچی، محمدعلی و مریم ذبیحی (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر پویایی عوامل کلان اقتصادی بر نوسانات قیمت مسکن در ایران». مجله دانش و توسعه. دوره ۱۸. شماره ۳۱. صص ۱۸۶-۱۶۰.
- Astin, A.W. (1984). "Student Involvement: A Developmental Theory for Higher Education." *Journal of College Student Involvement*, Vol. 40(5), PP. 518-529.
- Bean, J.P. and Bradley, R.K. (1986). "Untangling the Satisfaction-Performance Relationship for College Students." *The Journal of Higher Education*, Vol. 57 (4), PP. 393-412.
- Birch, E.R. and Miller, P.W. (2006). "The Impact of HECS Debt on Australian Students' Tertiary Academic Performance." *Education Research and Perspectives*, Vol. 33(1), PP. 1-32.
- Bozic, R. (2007). "Making It through the First Year of College: The Role of Students' Economic Resources, Employment, and Living Arrangements." *Sociology of Education*, Vol. 80(3), PP. 261-285.
- Bozic, R. (2008). *Student Employment during the Transition College in the United States*. Research Report: RTI Press Publication RR-0001-0802.
- Chemers, M., Hu, L. and Garcia, B.F. (2001). "Academic Self-Efficacy and First Year College Student Performance." *Journal of Education Psychology*, Vol. 93(1), PP. 55-64.
- CompleteCollege.org. (2011) "Time is the Enemy." <http://completecollege.org/?s=time+is+the+enemy>.

- DeBerard, M.S., Spielmans, G.I. and Julka, D.C. (2004). "Predictors of Academic Achievement and Retention among College Freshmen: A Longitudinal Study". *College Student Journal*, Vol. 38(1), PP. 66-80.
- Duckworth, A.L. and Seligman, M.E.P. (2005). "Self-Discipline Outdoes IQ in Predicting Academic Performance of Adolescents." *Psychological Science*, Vol. 16(12), PP. 939-944.
- Fry, R. (2009). "College Enrollment Hits All-time High, Fueled by Community College Surge." *from Pew Research Center Publications*: <http://pewresearch.org/pubs/1391/college-enrollment-all-time-high-community-college-surge>. (Retrieved August 5, 2012).
- Geiser, S. and Santelices, M.V. (2007). "Validity of High School Grades in Predicting Student Success Beyond the Freshman Year: High-school Record vs. Standardized Tests as Indicators of Four-year College Outcomes." Research and Occasional Paper Series: CSHE.6.07. Center for Studies in Higher Education.
- Huang, lihong. (2008). "Social capital and school achievement in Norwegian secondary schools" from:<http://dx.doi.org/10.1016/j.lindif.2008.11.004>.
- Guerrero, A.A. (2010). "The Determinants of College Student Retention." Dissertation published by UMI Dissertations Publishing.
- Jacoby, B. and Garland, J. (2004/2005). "Strategies for Enhancing Commuter Student Success." *Journal of College Student Retention*, Vol. 6(1), PP. 61-79.
- Kuh, G. D., Gonyea, R. M. and Palmer, M. (2001). "The Disengaged Commuter Student: Fact or Fiction?" *Commuter Perspectives*, Vol. 27(1), PP. 2-5.
- Kuh, G.D. (2005). "Seven Steps for taking Student Learning Seriously." *Trusteeship* May/June, pp. 20-24.
- Laurice, J. (2003). Estimating Housing Prices in Southern California Using a Hedonic Pricing Model, M.A. Thesis, California State University, Fullerton.
- Li-Chen, M. and Robert, W. (1979). "Marital Status and Academic Performance in College." available at <http://eric.ed.gov/?id=EJ207776> (accessed on July 31, 2013).
- Lutta, J.M. (2008). "Factors that Influence Traditional-age College Students to Re-enroll in their Third Year at a Research Extensive University in the Southern Region of the United States." Dissertation, Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College, Louisiana State University.
- Macan, T.H., Shahani, C., Dipboye, R.L. and Phillips, A.P. (1990). "College Students' Time Management: Correlations with Academic Performance and Stress", *Journal of Education Psychology*, Vol. 84(4), PP. 760-768.
- Newbold, J.J., Mehta, S.S. and Forbus, P. (2011). "Commuter Students: Involvement and Identification with an Institution of Higher Education." *Educational Leadership Journal*, Vol. 15(2) ,PP. 141-153.

- **Nonis, S.A. and Hudson, G.I.** (2010). "Performance of College Students: Impacts of Study Time and Study Habits." *Journal of Education for Business*, Vol. 85(4), PP. 229-248.
- **Nonis, S.A., Philhours, M.J. and Hudson, G.I.** (2006). "Where Does the Time Go? A Diary Approach to Business and Marketing Students' Time Use." *Journal of Marketing Education*, Vol. 28(2), PP. 121-134.
- **O'Toole, D., Peterson, S. and Wetzel, J.N.** (1999). "Factors Affecting Student Retention Probabilities: A Case Study." *Journal of Economics and Finance*, Vol. 23(1), PP. 45-55.
- **Pascarella, E.T., Terenzini, P.T. and Wolfle, L.M.** (1986). "Orientation to College and Freshmen Year Persistence/Withdrawal Decisions." *The Journal of Higher Education*, Vol. 57(2), PP. 155-175.
- **Richardson, J.T.E.** (1995). "Mature Students in Higher Education: II. An Investigation of Approaches to Studying and Academic Performance." *Studies in Higher Education*, Vol. 20(1), PP. 5-17.
- **Saenz, T., Marcoulides, G.A., Junn, E. and Young, R.** (1999). "The Relationship between College Experience and Academic Performance among Minority Students." *The International Journal of Educational Management*, Vol. 13(5), PP. 199-207.
- **Sawyer, R.** (2010). "Usefulness of High School Average and ACT Scores in Making College Admission Decisions." ACT Research Report Series 2010-2. [http://www.act.org/research/researchers/reports/pdf/ACT\\_RR2010-2.pdf](http://www.act.org/research/researchers/reports/pdf/ACT_RR2010-2.pdf). (Accessed on
- **Tenhouse, A.M.** (2011). "Commuter Students-Commuter Student Challenges." <http://education.stateuniversity.com/pages/1875/Commuter-Students.html>. (Retrieved May 16, 2012).
- **Tinto, V.** (1999). "Taking Student Success Seriously: Rethinking the First Year of College." *NACADA Journal*, Vol. 19(5), PP. 5-9.
- **Walter, A.** (1986). "Gender and Campus Race Differences in Black Student Academic Performance, Racial Attitudes and College Satisfaction."